

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه غاشیه

استاد ضرابی اردیبهشت ۱۴۰۰

جلسه دوم ۲۰/۲/۱۴۰۰

آیات شریفه: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳) تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)» - آیا داستان غاشیه (حادثه‌ای که بر همه بر احاطه پیدا می‌کند) به تو رسیده است؟! (۱) در آن روز چهره‌هایی زبونند (۲) که تلاش کرده رنج [بیهوده] برده‌اند (۳) [ناچار] در آتشی سوزان درآیند (۴) از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند (۵) خوراکی جز خار خشک ندارند (۶) [که] نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد (۷)»

عنوان: ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی

این آیه شریفه: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» حادثه مهیب و فراگیر وقوع قیامت را با نام غاشیه یاد کرده است.

در برخی روایات غاشیه به «اشراط الساعة» یعنی حوادثی که وقوع قیامت مشروط به آنهاست، تطبیق شده است. مانند قیام قائم (عج) در روایتی از امام صادق (علیه السلام): «عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ قَالَ يَغْشَاهُمُ الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ - مُحَمَّدٌ از پدرش از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: به ایشان عرض کردم: «مقصود از هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ

الْغَاشِيَةِ چيست؟» فرمود: «يعنى امام قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) آن ها را با شمشير فرا مى گيرد» (الكافى، ج ۸، ص ۵۰)

در اين روايت حجت حق (عج) از مصاديق غاشيه شمرده شده كه همه مردم روى زمين را فرا مى گيرد. امام دو صفت از نيك و بد را به قدرت باطنى و الهى تشخيص داده، مفسدان و تبهكاران را از نيكان جدا و ظلم و فساد را ريشه كن مى نمايد.

«وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ»: روشن است كه بايد از مصاديق تام و تمام غاشيه را قيامت دانست، روزى كه كردار و نيات انسان با صورتى متناسب با حقيقت خود مجسم شده، همراه انسان به عرصه محشر مى آيد.

پيامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ رُدَّتْ إِلَيْكُمْ - اينها فقط اعمال خود شما است كه به شما برگرداننده شده است.» (بحار الانوار، ج ۳، ص ۹۰)

اعمال انسان، يك صورت دنيوى دارد، كه ما آن را مشاهده مى كنيم و يك صورت اخروى، دارد كه در دل آن عمل نهفته است و وقتى پرده ها کنار رود مشاهده مى شود.

اگر پرنیان است، خود رشته اى و اگر بار خار است خود كشته اى

بنابراين، اين چهره زبون و خوار چيزى نيست كه بعدا در محشر ايجاد شود و در دنيا خوش و خرم بوده باشد بلكه در دنيا قبلا با اعمال و افكار و نياتى كه خلاف فطرت انسانى بوده، روح الهى را آزرده، سرگردان و پريشان ساخته است. وليكن چشم ظاهر بين او اجازه نمى داده خبرى از احوال خود بپرسد؛ چرا كه انسان نمى تواند با جرم و جنايت به آرامش و سعادت برسد و همانطور كه آيه شريفه «وَأَنْقُضُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ - بپرهيزيد از آتشي كه براي كفار (با دست خودشان اكنون) آماده شده است. (ال عمران، آيه ۱۳۱)» مى گويد اين چهره خوار و زبون و مضطرب فراهم آمده از اعمال مجرمانه او اكنون آماده است. «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ - در آن روز قيامت مردم از قبرها پراكنده بيرون آيند تا اعمال آنها را به آنان بنمايند» (زلزال/۶)

دليل اهل سعادت نشان بندگى است بدا بدا كه از اين نشئه بى نشان برويم

هنوز پرده ز اعمال برنداشته‌اند

نعوذ بالله اگر پای امتحان برویم

عنوان: زحمت بی‌حاصلی که بر شعله‌های عذاب می‌افزاید

« عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً »: فرزند امام صادق (علیه السلام) از ایشان می‌پرسد: « فی قوله عَامِلَةٌ قَالَ عَمِلْتُ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالَ قُلْتُ نَاصِبَةٌ قَالَ نَصَبْتُ غَيْرَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - عَامِلَةٌ یعنی چه؟ فرمود: به غیر کتاب منزل خدا عمل کرده است. گفتیم: نَاصِبَةٌ یعنی چه؟ فرمود: غیر از امام بر حق را به حکومت واداشته است » (الکافی، ج ۸، ص ۵۰)

با توجه به این تعریف منظور فرمایش امیرالمؤمنین روشن می‌شود که فرمود: « كُلُّ نَاصِبٍ وَإِنْ تَعَبَدَ وَاجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً كُلُّ نَاصِبٍ مُجْتَهِدٍ فَعَمَلُهُ هَبَاءٌ - هر شخص ناصبی هر قدر هم که عبادت و تلاش کند، باز مشمول این آیه است: عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً؛ پس هر شخص ناصبی سخت‌کوش عملش بر باد است. » (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۰۳)

بر همین اساس ابو اسحاق لیثی گوید: « قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (علیه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَخْبِرْنِي عَنِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْتَبْصِرِ إِذَا بَلَغَ فِي الْمَعْرِفَةِ وَكَمَلَ هَلْ يَزْنِي قَالَ اللَّهُمَّ لَا ... - محضر مبارک امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (صلى الله عليه و آله) بفرماید آیا مؤمنی که مستبصر است وقتی صاحب معرفت شد و کمال یافت مرتکب زنا می‌شود؟ حضرت فرمود: «خیر». عرض کردم: «آیا لواط می‌کند؟» فرمود: «خیر». عرض کردم: «دزدی می‌نماید؟» فرمود: «خیر». عرض کردم: «شرب خمر می‌کند؟» فرمود: «خیر». عرض کردم: «آیا کبیره‌ای از این کبائر یا فاحشه‌ای از فواحش را انجام می‌دهد؟» فرمود: «خیر». عرض کردم: «گناهی می‌کند؟» فرمود: «آری، او مؤمن گناهکاری است که ملَمّ می‌باشد». عرض کردم: «معنای ملَمّ چیست؟» فرمود: «الملَمّ بالذنب یعنی کسی که گناهی می‌کند ولی ملازم با آن نبوده و اصرار بر آن نمی‌ورزد». عرض کردم: «سبحان الله! خیلی جای تعجب است که مؤمن زنا و لواط و سرقت نمی‌کند و شراب نیشامیده و کبیره‌ای از کبائر را مرتکب نشده و فاحشه‌ای از فواحش را انجام نمی‌دهد!!» حضرت فرمود: «از کار خدا نباید تعجب نمود، حق تعالی آنچه را که بخواهد

انجام می‌دهد و از فعلش سؤال نمی‌شود ولی بندگان مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند، پس از چه تعجب کردی ای ابراهیم؟ سؤال کن و خودداری نکن و حیاء ننما، این علم را متکبر و کسی که از سؤال حیاء می‌کند فرا نمی‌گیرد».

عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، از شیعیان شما کسانی را سراغ دارم که شرب خمر نموده، راه را بر مردم می‌بندند و راه‌ها را مخوف و خطرناک می‌کنند، مرتکب زنا و لواط شده، ربا می‌خورند مبادرت به فواحش می‌کنند، در خواندن نماز و گرفتن روزه و دادن زکات سستی از خود نشان می‌دهند، قطع رحم می‌نمایند و کبائر و معاصی کبیره را اتیان می‌کنند، پس توجیه آن چیست و چرا مؤمنی که شیعه‌ای شما است فاعل این قبایح می‌باشد؟»

حضرت فرمود: «ای ابراهیم، آیا در سینه‌ات غیر از این سؤال، سؤال دیگری خلجان نمی‌کند؟» عرض کردم: «چرا ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، سؤال بزرگتر از این؟» حضرت فرمود: «آن سؤال چیست؟» عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن سؤال این است که؛ از دشمنان و کسانی که عداوت و بغض شما را در دل می‌پرورانند کسانی را یافته‌ام که نماز زیاد خوانده و بسیار روزه گرفته، زکات اموالش را داده، حج و عمره نموده، بر جهاد راغب و حریص بوده، افعال نیک و کردار پسندیده داشته صله رحم نموده، حقوق برادران دینی را اداء کرده، در مالش با دیگران رعایت مواسات را کرده، از شرب خمر دوری نموده، مرتکب زنا و لواط و سایر فواحش نمی‌گردد، منشأ آن چیست و چطور می‌توان این را توجیه کرد؟ پس برایم این راز را گفته و برهان و بینه‌اش را بیان نمایید، به خدا سوگند فکرم را به خود مشغول کرده و خواب شب از من ربوده است». حضرت باقر (علیه السلام) تبسم نموده و سپس فرمود: «ای ابراهیم، بیانی که مشکلّت را حل کند و سؤال را جواب داده باشم برایت ایراد خواهم نمود و علمی نهان از خزائن علم خدا را اظهار خواهم کرد، بگو اعتقاد این دو گروه (شیعیان عاصی و دشمنان مؤدّب به آداب) را چگونه یافتی؟» عرض کردم: «محبّین و شیعیان شما که فاعل افعال یاد شده می‌باشند کسانی هستند که اگر بین مشرق و مغرب را از طلا و نقره پر کنند و به آن‌ها دهند که دست از دوستی و ولایت شما برداشته و به سراغ غیر شما روند هرگز این کار را نمی‌کنند و اگر در راه دوستی شما با شمشیر بینی‌های ایشان را ببرند و نیز در این راه کشته شوند از این راه برنگشته و دست از آن بر

نمی‌دارند. و ناصبی را با آنچه از اوصاف که بر ایشان نقل کردم این طور دیده‌ام که اگر بین مشرق و مغرب را از طلا و نقره پر کنند و به آن‌ها دهند تا از محبت طواغیت دست کشیده و ولایت و دوستی شما را پیدا کنند امکان ندارد و در راه محبت طواغیت و ستمگران اگر با شمشیر بینی آن‌ها را ببرند و یا کشته شوند حاضر نیستند از آن دست بردارند و اگر منقبتی از مناقب و فضیلتی از فضایل شما را بشنوند بدحال شده و از آن مشمئز گردیده و رنگشان تغییر کرده و آثار کراهت در صورتشان دیده می‌شود و این به خاطر داشتن بغض شما و محبت ظالمان می‌باشد». [راوی می‌گوید] امام باقر (علیه السلام) تبسم کرده و فرمود: «ای ابراهیم اینجا است که ناصبی‌ها در آتش سوزان وارد می‌گردند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آنان می‌نوشانند. و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم! (فرقان/۲۳)» (بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۲۸)

رنج دیدم عمری و لیکن ثمر نامد پدید نادمم این لحظه از رنجی که بر خود داشتم

عنوان: پلیدی و ناپاکی هیچ‌گاه از جهنم آزاد نمی‌شود

«تُسْقَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ»: اگر پرسیده شود که دروغ و خیانت، ظلم و تجاوز و سایر پلیدی‌ها تا کی باید در جهنم بمانند و کی آزاد خواهند شد؟ پاسخ معلوم است هرگز.

بنابراین اگر انسان از پلیدی‌های وجودش توبه نکند و از آنها جدا نشود و حتی با عذاب‌های برزخی هم نتواند از ملکات پلید خود دست بشوید، تا ابد گرفتار آتش است. بسیار جا دارد که هریک از ما از خود بپرسیم که کدام زشتی را با خود داریم که حاضر به جدا شدن از آن نیستیم؟ این خطر بزرگی است که نباید به آن بی‌اعتنا باشیم. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ قَبْضَ الْكَافِرِ قَالَ يَا مَلِكَ الْمَوْتِ انْطَلِقْ أَنْتَ وَ أَغْوَانُكَ إِلَى عَذْوَى فَإِنِّي قَدْ أَبْلَيْتُهُ فَأَحْسَنْتُ الْبَلَاءَ وَ دَعَوْتُهُ إِلَى دَارِ السَّلَامِ فَأَبَى... - وقتی خداوند بخواهد کافر را قبض روح کند، می‌فرماید: «ای فرشته مرگ! تو و یارانت به‌سوی دشمن من بروید؛ چون من او را آزمودم و آزمایش را نیکو انجام دادم و او را به سرای صلح و سلامت

(بهشت) دعوت کردم ولی او ابا کرد؛ پس فرشته مرگ با چهره‌ای زشت و عبوس نزد او می‌آید درحالی‌که چشمانش مانند برق جهنده است و پانصد فرشته همراه و یاور او هستند و با آن‌ها تازیانه‌ای از قلب جهنم است و آن تازیانه که از شعله‌های جهنم است شعله‌ور می‌شود... سپس با سیخ ضربه‌ای به او می‌زند؛ پس هیچ قسمتی از او باقی نمی‌ماند مگر آنکه آن را در هر رگی و مفصلی فرو می‌برد. سپس آن را یک مرتبه می‌کشد؛ در نتیجه روحش را از پاهایش گشوده، بیرون می‌کشد... سپس خداوند دو فرشته کروکور بر او مسلط می‌گرداند که همراه آن‌ها دو چکش آهنین از آتش است. او را می‌زنند و اشتباه نمی‌کنند و تا روز قیامت فریاد می‌زند ولی فریاد او را نمی‌شنوند و هنگامی‌که فریاد قیامت (نفخ صور دوم) واقع شود، قبرش با آتش شعله‌ور شود و می‌گوید: «وای بر من که قبرم با آتش شعله‌ور شد»؛ پس نداده‌های ندا می‌دهد: «عذاب و خواری به تو نزدیک شد. از آتش قبر برخیز و به‌سوی آتشی که خاموش نمی‌شود برو»؛ پس از قبرش بیرون می‌آید درحالی‌که چهره‌اش سیاه و چشمانش کبود است و بینی‌اش دراز شده و قلبش گرفته و غمگین است و سرافکنده است و زیر چشمی نگاه می‌کند. سپس عمل پلیدش نزد او می‌آید... و شیطان او را با زنجیر می‌کشد. هرگاه سرش را بالا بیاورد و به زشتی صورتش نگاه کند، دندان‌هایش در صورتش آشکار و صورتش عبوس گردد». امام (علیه السلام) فرمود: «سپس [به شیطان] می‌گوید: «ای کاش میان من و تو فاصله‌ی مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی! وای بر تو بدان سبب که مرا گمراه کردی؛ سهمی از عذاب الهی را از من بردار». می‌گوید: «ای بدبخت! چگونه سهمی از عذاب الهی را از تو بردارم درحالی‌که من و تو امروز در عذاب، مشترکیم». سپس ضربه‌ای بر سرش زده می‌شود و هفتاد هزار سال سقوط می‌کند تا به چشمه‌ای می‌رسد که به آن آئینه گفته می‌شود. خدای تعالی می‌فرماید: تُسْقَى مِنْ عَيْنِ آئِنَةٍ، و آن چشمه‌ای است که حرارت و جوشش آن به نهایت می‌رسد و از زمانی‌که خداوند جهنم را آفریده برافروخته شده است. همه‌ی دره‌های آتش استراحت و آرامش دارند ولی آن چشمه از شدت حرارتش آرام نمی‌گیرد. (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۲۱)

گرگ بر خیزی از آن خواب گران

ای دریده پوستین یوسفان

می‌درانند از غضب اعضای تو

گشته گرگان يك به يك خواهی تو

عنوان: عادات زشتی که نیازی را بر نمی‌آورد

« لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ »: عادات زشتی که ما به آن مبتلا هستیم و گناهانی که عادت ما شده و از آن احساس لذت می‌کنیم و به پایان زودگذر لذات و بقاء تبعات آن نمی‌اندیشیم « اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَّاتِ وَ بَقَاءَ التَّبَعَاتِ - به خاطر بیاورید، بریده شدن لذتها و ماندن پیامدهای ناگوار آنها را(نهج البلاغه، حکمت ۴۲۵) » این پلیدیها علاوه بر آثار سوء دنیایی حکایت تلخی در آخرت دارد که دائما باید به خود یادآوری کرده ، تلاش کنیم تا بالاخره بتوانیم خود را از آن جدا سازیم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « الضَّرِيعُ شَيْءٌ يَكُونُ فِي النَّارِ يُشْبِهُ الشَّوْكَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ وَ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفَةِ وَ أَشَدُّ حَرًّا مِنَ النَّارِ سَمَاءُ اللَّهِ الضَّرِيعُ. - ضَرِيع، چیزی است که در آتش می‌باشد و به خار شباهت دارد و از صَبْر [که گیاهی تلخ است] تلخ‌تر و از مردار بدبوتر و از آتش گرم‌تر است؛ خداوند آن را ضَرِيع نامیده است» (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۶۹)

اساسا قرآن همان چشم باطنی است که خداوند در اختیار ما قرار داده و می‌توانیم با آن ، باطن لذاتی را ببینیم که اگر جسم احساس خوشایندی از آن دارد، روح از آن تلخی و عذاب احساس می‌کند؛ نه تنها گرسنگی را برطرف نمی‌کند بلکه رنجی فوق طاقت با خود دارد.

انسان مؤمن کسی که قرآن ، این چشم آخرت بین را باور دارد، هرگز راضی به ارتکاب این گناهان نخواهد شد. اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعْرِضَ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا تَضُرُّ بَنِي بَسِيْاطِ نَقْمَتِكَ، وَ زَحْزَحْنِي فِيهِ مِنْ مُوْجِبَاتِ سَخَطِكَ، بِمَنْكَ وَ أَيْدِيكَ، يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاْغِبِيْنَ - خدایا مرا در این ماه به خاطر نزدیک شدن به نافرمانی‌ات تنها مگذار، و با تازیانه‌های نقمت عذاب مکن، و از موجبات خشم دورم بدار، به منت و عطاهايت، ای نهایت دلبستگی دل شدگان. « (دعای روز ششم ماه مبارک رمضان)

آن شنیدی که از سر سوزی گفت عیسی به همراهان روزی

زین جهان دل به طبع بردارید مهر او جمله کینه انگارید

که جهان زودسیر و بد مهر است همه خاری ست اگر چه گلچهر است
همه معشوقه ایست عاشق کش عاشق او خرد ندارد و هش